

تایتل: نقش شیطان در زندگی ما چیست، شیطان چگونه حریفی است؟

نقش شیطان در زندگی چگونه به رشد ما کمک می‌کند؟

یک زندگی آرام و بی‌دغدغه آرزوی بسیاری از ماست، اما آیا تا به حال چنین چیزی را تصور کرده‌اید؟ زندگی‌ای که تمام روزهای آن بی‌هیچ مسأله و مشکلی می‌آید و می‌گذرد، اگر کمی بیشتر به این خیال ادامه بدهیم چند واژه رفته رفته در ذهنمان پررنگ‌تر می‌شوند؛ سکون و ملال! بله اتفاقات و حوادث زندگی ملال و سکون را از بین برده و منجر به رشد ما می‌شوند. برای پذیرش این نکته کافی است، تصور کنید که اگر مجبور به پذیرفتن رنج و سختی آموختن حروف الفبا در مدرسه نبودیم، چه زمانی و چگونه باسواد می‌شدیم؟

هر چه عزم ما برای آموختن و رشد بیشتر باشد، لزوم تحمل رنج و سختی آن را راحت‌تر تحمل می‌کنیم. سطح بالایی از این موقعیت را هم می‌توان در رفتار افرادی دید که آرزوی رسیدن به درجات بالای ورزش قهرمانی را در سر می‌پرورانند. لزوم تحمل سختی‌ها برای این افراد چنان درونی شده که پیش از مسابقه اصلی بارها با حریفان مختلف مسابقه می‌دهند، تا نقاط ضعف خود را شناسایی کرده و آمادگی بدنی لازم را به دست بیاورند.

نقش یک حریف مناسب در رشد و پیشرفت قابل کتمان نیست و هرچه عزم ما برای رشد، پیشرفت و دروی از سکون بیشتر باشد؛ این مسأله را راحت‌تر درک خواهیم کرد. همه ما نیازمند حریفی هستیم که باعث شناسایی نقاط ضعف ما شده و نقاط قوت ما را تقویت کند.

نقش شیطان در زندگی ما دقیقاً چنین نقشی است. با این تفاوت که مبارزه با شیطان انتخابی نیست و در مسیر رسیدن به هدف خلقتمان، قطعاً با او روبه‌رو می‌شویم؛ البته درگیر شدن با یک حریف واقعی به نام شیطان که کینه دیرینه‌ای نسبت به ما دارد، قطعاً نیاز به آگاهی، تمرین و هوشیاری دارد، اما دستاورد

پیروزی در چنین مبارزه‌ای هم به اندازه سختی‌هایش بزرگ است. به شرطی که ما مهارت‌ها و توانایی‌های مان را نسبت به حمله‌های شیطان افزایش داده و از نقش شیطان در زندگی خود باخبر شویم.

باشگاه بدون حریف

فرض کنید که مدتی است عضو یک باشگاه هنرهای رزمی شده و مشغول فراگیری فنون و روش‌های مبارزه هستید. حتماً بعد از مدتی انتظار دارید که وارد میدان مبارزات شده و مربی به مرور بر تعداد و مهارت حریف‌های ما بیافزاید، تا پس از آن راهی به میدان مسابقات رسمی پیدا کنیم. حالا اگر مربی به شما اجازه حضور در مسابقات و مبارزات مقدماتی را نداده و از شما بخواهد که فقط به صورت انفرادی تمرین کنید، چه احساسی خواهید داشت؟

اگر خودمان احساس کنید، که توان شرکت در مسابقات را دارید اما، مربی امکان حضور شما را فراهم نکند یا به طور کلی مسابقه را برای رشد شما الزامی نداند، چه واکنشی نشان می‌دهید؟ احتمالاً باشگاه و مربی‌تان را عوض می‌کنید و به جایی می‌روید که امکان رشد در رشته ورزشی شما به راحتی فراهم باشد؛ چون به درستی معتقدید که یکی از وظایف مربی، فراهم کردن امکان رشد برای شاگردان است. رشد در مبارزه اتفاق می‌افتد و بدون محک خوردن در مبارزه، رشد ما خیالی خواهد بود.

حالا مربی‌ای را تصور کنید که به شاگردانش اجازه تمرین نمی‌دهد، چون می‌ترسد که آن‌ها آسیب ببینند. و یا شاگردی را تصور کنید که پس از اولین ضرب‌دیدگی تمرین را رها می‌کند. هر دوی این رفتارها در ورزش حرفه‌ای جایی ندارند و غیرطبیعی به نظر می‌آیند. حالت همه ما در زندگی واقعی بی‌شبهت به ورزشکاران نیست. ما همه در باشگاه زندگی برای رسیدن به کمالات انسانی و شباهت به انسان کامل تلاش می‌کنیم. مربی ما در این مسیر خداوند است، که برای مان میدان مسابقه‌ای به وسعت دنیا ترتیب داده، با این حساب

به نقش شیطان در زندگی خود بیشتر پی برده و متوجه می‌شویم که علی‌رغم تمام سختی‌ها، هدف خدا از قرار دادن موجودی با ماهیت شیطان در مسیر ما چیزی به جز رشدمان نیست.

شیطان چگونه حریفی است؟

در این میدان بزرگ مسابقه ما یک حریف همیشه آماده داریم، که پیوسته از هر وسیله و فرصتی برای پیروزی بر ما استفاده می‌کند، اما در عوض خداوند هم ما را از حضور او آگاه کرده و تمام ویژگی‌هایش را در موقعیت‌های مختلف برایمان شرح داده است. قاعدتاً دانستن این‌که حریفی در کمین ماست، از غافل‌گیر شدن ما جلوگیری می‌کند. علاوه بر این، آگاهی از تمام ابعاد و ساختارهای وجود حریفمان از زبان سازنده او درصد پیروزی ما را بالا می‌برد. این حریف شیطان است.

مربی و رب ما یا همان الله بر روی این نکته تأکید فراوانی کرده که شیطان یک حریف فرضی یا اعتباری نیست، بلکه دشمنی آشکار است که شخصیتی حقیقی و خارجی دارد. درست است که ما با چشم سر نمی‌توانیم شیطان را ببینیم، اما حمله‌های او به قدری واضح و آشکارند که کاملاً قابل تشخیصند.

خدا ویژگی حمله‌های شیطان و نقش شیطان در زندگی ما را به طور کامل برایمان توضیح داده است، مثلاً می‌دانیم که مهم‌ترین ویژگی حمله‌های شیطان این است که تنها بر روی صراط مستقیم اتفاق می‌افتد. مبارزه با شیطان در غیر صراط مستقیم معنایی ندارد. همان‌طور که حریف کشتی گیر تنها روی تشک انتظار ما را می‌کشد و یا ورزشکاران روی مردم کوچه و خیابان که اطلاعی از مبارزه ندارند، به عنوان حریف تمرینی حساب نمی‌کنند. شیطان هم فقط با کسانی که قصد حرکت در مسیر صراط مستقیم را دارند، گلاویز می‌شود. هرچه ما در این مسیر بیشتر پیش برویم، حمله‌های او هم بیشتر شده و سعی می‌کند به هر شکلی ما را از مسیر مستقیم‌مان منحرف کند.

نقش شیطان در زندگی ما بدیهی بوده و حملات شیطان به‌طور اختصاصی برای هریک از ما طراحی می‌شود. مثلاً حمله کسی که به دنبال معشوق‌های جمادی یا حیوانی است با حمله کسی که به دنبال کمالات عقلی است تفاوت دارد. شیطان مهندسی وجود ما را کاملاً بررسی کرده و برای یکی از در نداشته‌ها وارد می‌شود و برای دیگری از در داشته‌ها؛ پس برای ایمن بودن از حملات او این که معشوق‌های خود را چگونه مهندسی کرده و به هر یک چقدر بها می‌دهیم، مهم است.

نقش و تأثیر حملات شیطان

همان‌طور که گفتیم حملات شیطان بسته به ساختار و نوع شخصیت هریک از ما متفاوت است. در حقیقت شیطان برای فریب ما به امکانات خود و دستگیره‌هایی که در وجود خود برای او قرار داده‌ایم، نگاه می‌کند. او خود ویژگی حمله‌هایش را در قرآن این‌طور ذکر می‌کند که از جلو و عقب و چپ و راست در صراط مستقیم به انسان حمله خواهم کرد.^۱ اما هرکدام از این جهت‌ها چه معنایی دارند؟

در توضیحی کوتاه و مختصر می‌توانیم بگوییم، که حمله از سمت جلوی شیطان در رابطه با افکار و نگرانی‌های مربوط به آینده ماست؛ مثلاً ما به محض اینکه می‌خواهیم بخشی انجام داده و صفت کریم را در خود ایجاد کنیم، شیطان با ایجاد ترس از آینده و دلهره دچار شدن به فقر، سعی بر منصرف کردنمان می‌کند.

حمله از عقب ضربه‌هایی است که شیطان به وسیله گناهان و کدورت‌هایی که در گذشته داشته‌ایم، یا شکست‌هایی که باعث سرخوردگی ما شده‌اند، به ما وارد می‌کند و با ناامید کردن ما از بخشش خدا ما را

سوره اعراف، آیات ۱۶ و ۱۷^۱

از نعمت وجود او محروم می‌سازد. بسیاری از مردم هستند، که با همین حمله شیطان از برگشتن به آغوش خدا و توبه ناامید شده و در این مبارزه زمین می‌خورند.

حمله از راست با دستاویز قرار دادن کمالات و توانای‌های ما اتفاق می‌افتد؛ وقتی که شیطان موفق می‌شود به وسیله کمالی مثل زیبایی، ثروت یا علم ما را از مسیر مستقیم منحرف کرده یا با ایجاد حس تکبر در ما بین ما و خدا فاصله ایجاد کند.

در حمله از چپ هم ضعف‌های ما یا بهتر است بگوییم اولویت‌بندی نادرست معشوق‌های مان دستگیره‌ای برای ورود شیطان به روح ما می‌شوند و شیطان توسط آن‌ها ما را برای انجام گناه وسوسه می‌کند؛ مثلاً اگر زودرنج باشیم، شیطان هر رفتاری از دیگران را با این دستگیره به یک کدورت و ناراحتی تبدیل می‌کند.

آگاه بودن از ویژگی‌های حملات شیطان باعث می‌شود، که به محض روبه‌رو شدن با چنین احساساتی حریف و میدان مسابقه را تشخیص داده و او را زمین بزنیم. از ویژگی‌های بارز حمله‌های شیطانی داشتن حس غم، ناامیدی، افسردگی، ترس و اضطراب است؛ پس هر وقت دچار چنین احساساتی شدیم، باید سرچشمه را جایی بیرون از وجود خود و در میدان مبارزه با شیطان جستجو کنیم.

تأثیر شیطان بر رشد ما

همان‌طور که گفتیم حضور شیطان نیاز فطری ما برای رشد است و در صورتی که این مبارزات نباشد، رشدی هم اتفاق نیفتاده و ما اسیر کمالات خیالی خود باقی می‌مانیم؛ اگر ما شیطان را به عنوان یک حریف پذیرفته و باور داشته باشیم، زندگی مان سرشار از هیجان و تکاپوست. چون با در نظر گرفتن نقش شیطان در زندگی، می‌دانیم که حتی در عالم خواب هم از حضور و حملات او در امان نیستیم، پس حتی هنگام خواب هم خود

را به ابزاری برای مبارزه با او مسلح خواهیم کرد. متأسفانه اکثر ما از این مبارزه غافلیم. درست مانند کسی که با دوبرنده‌ای در وسط تشک کشتی ایستاده، اما دست‌هایش را در پشتش حلقه کرده و نمی‌خواهد در مسابقه شرکت کند. غافل از اینکه ما چه خواهیم و چه نخواهیم، مسابقه در جریان است.

در میدان دنیا تماشاچی وجود ندارد و همه در حال مسابقه دادن هستند. شیطان حتی در برابر کوچک‌ترین کار و عمل مثبت ما واکنش نشان داده و به ما حمله می‌کند و خیلی از افراد را در این مبارزه طوری زمین می‌زند که عملاً به عبد او تبدیل می‌شوند؛ یعنی با وجود اینکه به درست نبودن مسیر زندگی و افکار، رفتار و انتخاب‌هایشان آگاهند، اما به قدری در مسیر اشتباه پافشاری می‌کنند، که به دستگیره شیطان در مبارزه با دیگران تبدیل می‌شوند.

همان‌طور که گفتیم، مهم‌ترین ویژگی حمله‌های شیطان آشکار بودن آنهاست. اگر ما خود را به درستی بشناسیم، از تمامی این حملات به عنوان فرصتی برای رشد، تبدیل شدن و شباهت به معشوق حقیقی وجودمان استفاده خواهیم کرد، اما اگر خود را به درستی نشناخته و با ویژگی‌های ذاتی‌مان آشنا نباشیم، تمام این مبارزه را نوعی تهدید به حساب آورده و در کسب امتیاز و رشد در مسیر خود شکست می‌خوریم و با تمام شدن فرصت زندگی ناباورانه می‌بینیم، که دست‌های شیطان است که به نشانه پیروزی بالا رفته‌اند.

ما در این مقاله به بررسی نقش شیطان در زندگی پرداختیم. فهمیدیم که شیطان دشمن آشکار ما بوده، اما حضورش باعث رشد ماست. ما برای پیشرفت در هر زمینه‌ای نیاز به میدانی برای مبارزه و حریفی برای تمرین داریم. شیطان در زندگی ما در نقش همان حریف تمرینی است، اما از آن‌جا که حریفی فرضی یا اعتباری نبوده و دشمنی او واقعی است، غفلت از حملات او ممکن است، ما را برای همیشه از صراط مستقیم منحرف کند.

شما هم به این اعتقاد دارید، که دانستن نقش شیطان در زندگی برای ما مفید است؟ چگونه خود را برای
مبارزه با حملات این حریف واقعی آماده کرده‌اید؟

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer